



ژاله دُخترِ خوب و پاکیزه ای است. اوبا منیژه دوست است.
امروز مادرِ ژاله از مادرِ منیژه اجازه گرفت و منیژه را با خودش
به بازار بُرد.

آن ها در راه ، یک ماشین آتش نشانی دیدند . ماشین آثر
می کشید و تند می رفت.